جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۶۴۸ | شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ | ۵ رمضان ۱۴۴۰ | اذان ظهر: ۱۳:۰۱ |
غروب آفتاب: ۱۹:۵۹ | اذان مغرب: ۲۰:۱۹ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۲ | اذان صبح فردا: ۰۴:۲۵ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۰۲ |

یادداشت | علیرضا ربانی‌منش

آهنگ بی‌فرهنگی!

چند روزی است در فضای مجازی کلیپ‌های مشابهی از ترانه‌خوانی دسته‌جمعی دانش‌آموزان معصوم دختر و پسر مدارس با محتوایی مبتذل دست به دست می‌شود؛ خواندن‌هایی که مستقیم فرهنگ و ارزش‌های دینی ما را نشانه گرفته است.

پای صحبت‌های بزرگان انقلاب که می‌نشینیم، هنوز شعارها و مداحی‌های دوران انقلاب را با آن حال و هوا و سبک و سیاق خاص یادآور می‌شوند. این شعارها در واقع روی دیگر سکه عقاید آنهاست؛ باور و ارزشی که تبدیل به یک ساختار هنری برای تأثیرگذاری شده بود.

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای ستاد مرکزی هیئت رزمندگان اسلام بیانی ژرف و عمیق دارند که خواندن آن مهم است:

«یک وقت هست که شما در همین مطلبی که [عزادار] تکرار می‌کند و حرفی که [با آن] سینه می‌زند، با زبان نوحه و با زبان شعر، یک مسئله روز، یک مسئله انقلابی، یک مسئله اسلامی، یک معرفت قرآنی را می‌گنجانید. او وقتی تکرار می‌کند، در ذهن او ملکه می‌شود، این خیلی باارزش است، کاری است که هیچ‌کس دیگر غیر از شما نمی‌تواند این کار را بکند، یعنی هیچ رسانه‌ای واقعاً قادر نیست که این‌جور معارف الهی را با جسم و جان و فکر و روح و احساس و عقل و مانند اینها آمیخته کند، لذا کار کار مهمی است، کار بزرگی است.»

اگر بگوییم موسیقی مستقیماً قلب خواننده آن را نشانه می‌گیرد، ناروا نگفته‌ایم. اگر عامل تکرار و خواندن دسته‌جمعی را هم به آن بیفزاییم، تاثیر آن چند برابر خواهد شد.

مهاجمان فرهنگی به خوبی تأثیرات سرودهای ارزشی دسته‌جمعی دانش‌آموزان در مدارس را فهمیده‌اند و حالا برای کار مشابه و در جهت مخالف آن اقدام می‌کنند.

یادمان نرود که فاصله گرفتن از ارزش‌های موجود یک جامعه نه تنها جامعه را از معنا تهی می‌کند بلکه سلامت معنوی آن را نیز به خطر می‌اندازد. وقتی یک قطعه موسیقی خوانده می‌شود، در عالم خارج فقط آن محصول موسیقایی که مشتمل بر شعر و سبک خاصی است، شنیده می‌شود اما حقیقت آن است که این محصول، در شش لایه بعدی فرهنگ نیز در ذهن مخاطب تأثیرگذار است. اگر خواننده شعری را انتخاب کند که از دو خصیصه مضمون اعتقادی والا و ملودی متناسب با آن مضمون برخوردار باشد، این اثر در ذهن و ناخودآگاه مخاطب نقش ویژه پیدا می‌کند، به گونه‌ای که ممکن است در طول روز و شب بدون تمرکز و آگاهی قبلی آن را بر زبان جاری سازد. رفته رفته همین تبدیل به باور وی می‌گردد. حال فرض کنید محتوای شعر یا قالب موسیقایی آن مخرب باشد، با همین فرآیند که گفته شد، معرفت و باور مخاطب لطمه می‌خورد. عناصر و اجزای فرهنگ را می‌توان در قالب مدل هفت لایه فرهنگی نگریست که از قاعده به رأس در هفت بخش عقیده و باور، ارزش، هنجار، رفتار، دانش، محصولات و نماد می‌گنجد. «عقیده و باور» و «ارزش» سازنده هویت درونی و «هنجار»، «کنش و رفتار»، «دانش»، «محصولات» و «نماد» تشکیل‌دهنده هویت بیرونی یا همان سبک زندگی هستند.

وسیع‌ترین و عمیق‌ترین لایه فرهنگ لایه عقاید و باورهاست که لایه پنهانی فرهنگ نیز به‌حساب می‌آید. لایه باور، به تصور هر فرد از خود و جهان پیرامونش اطلاق می‌شود و لایه ارزش‌ها، به مجموعه بایسته‌ها و نابایسته‌های مستخرج از باور اشاره دارد. این ارزش‌ها با ایجاد تعامل فرد با جامعه و محیط خود، به لایه هنجار، تغییر ماهیت می‌دهند. هر نمود و عملی که فرد در مواجهه با خود، محیط و دیگران (خانواده و جامعه) از خود بروز می‌دهد، شکل‌دهنده لایه رفتارهای فرد است. لایه دانش نیز همان صورت ذهنی ایده‌ها، واقعیت‌ها، مفاهیم، داده‌ها و تکنیک‌های ثبت‌شده در حافظه انسان است و مبتنی بر اطلاعاتی است که با تجربه، باورها و ارزش‌های شخصی، همراه با تصمیم و عمل وی، دگرگون و بارور می‌شود. دانش از زمانی که انتقال یافت، به محصول تبدیل می‌شود و به لایه‌ای بالاتر انتقال می‌یابد. از این سطح دانش مستقل از فرد، انتقال و انتشار می‌یابد و عملاً به محصول (کالا و خدمات) تغییر ماهیت می‌دهد. لایه محصول و نماد، واگویه هویت درونی فرد است.

حکمت

حکمت ۱۷۵

هنگامی که از چیزی (زیاد) می‌ترسی خود را در آن بیفکن، چرا که سختی پرهیز از آن از آنچه می‌ترسی بیشتر است.

نما | حسین کشتکار

نگاهی به ضعف عملکرد مسئولان هنری و فرهنگی در تولید موسیقی مناسب

چه موسیقی سالمی برای نوجوانان تولید کرده‌ایم؟!

جواد محرمی

موسیقی تابع عرضه و تقاضاست و اگر متناسب با سنین مختلف عرضه از سوی مراکز رسمی تولید صورت نگیرد، متقاضیان ممکن است نیاز خود را از جاهای دیگر تأمین کنند

کودکان و نوجوانان نیاز به موسیقی مناسب سن خود دارند و زمانی که خوراک سالم برای این رده سنی تولید نشود، خواه ناخواه ممکن است بخشی از جامعه به سمت موسیقی‌های ناسالم بروند.

درست در یک بازه زمانی چندساعته و پس از سخنان رهبر انقلاب درباره سند ۲۰۳۰ چند کلیپ از مدارس دخترانه و پسرانه مختلف تهران در فضای مجازی منتشر می‌شود که در آن دانش‌آموزان در حال همخوانی ترانه‌ای مبتذل هستند. انتشار سریع و متعدد این ویدئوها سبب شد ذهن برخی به این سمت برود که این موضوع نمی‌تواند تصادفی باشد و احتمالاً به شکلی فکر شده و سازماندهی شده رقم خورده است اما درباره اهداف آن گزاره‌های مختلفی مطرح شد، اینکه باز هم قرار است از سوی عده‌ای یک دوقطبی درباره مسائل فرهنگی و اجتماعی ایجاد شود و انگیزه این دوقطبی‌سازی نیز اهداف سیاسی را نشانه می‌رود. اینکه همواره عده‌ای در جامعه با اتخاذ رویکردهای پوپولیستی خود را طرفدار آزادی‌های مطلق نشان می‌دهند، موضوع تازه‌ای نیست. مدت‌ها یک جریان سیاسی با موج‌سواری روی موضوع کنسرت‌ها درصدد دامن زدن به دوگانه آزادی و ضدآزادی در کشور بود و اساساً نان جریان‌های سیاسی که به شکلی عمیق و اصولی برای حل مشکلات مردم برنامه و ایده‌ای ندارند در همین دوگانه‌سازی‌هاست اما در گزارش پیش رو قصد داریم از منظری دیگر به موضوع بپردازیم و اینکه مدیران مراکز مختلف فرهنگی و هنری با بودجه‌های کلان در این عرصه در زمانه‌ای که دسترسی به هزاران اثر موسیقایی امکانپذیر است چه اندازه توانسته‌اند مناسب با رده سنی نوجوان ذائقه‌سازی کنند.

انفعال مسئولان در موسیقی

سنجش اینکه مراکز فرهنگی، هنری و رسانه‌ای کشور در ذائقه‌سازی برای رده سنی نوجوانان چقدر موفق عمل کرده‌اند کار زیاد سختی نیست. شاید بتوان گفت عملکرد این مراکز دست‌کم در حوزه موسیقی برای رده سنی نوجوان تقریباً هیچ است. وزارت ارشاد هر ساله جشنواره‌ای به نام موسیقی فجر برگزار می‌کند که در آن هیچ بخشی به قشر کودک و نوجوان اختصاص ندارد. رسانه ملی نیز مرکزی دارد به نام دفتر موسیقی و سرود صداوسیما که تقریباً هیچ موسیقی مؤثر و قابل ذکری را طی سال‌های طولانی برای این رده سنی تولید نکرده است یا دست‌کم اگر هم تولید شده نتوانسته با ذائقه نسل نوجوان ارتباط برقرار کند.

در بسیاری از کشورها موسیقی برای رده‌های سنی مختلف تولید می‌شود و تولید ترانه‌هایی متناسب با اقتضائات فرهنگی هر رده سنی تا حدودی موجب رفع نیاز نوجوانان می‌شود اما در ایران متأسفانه همانطور که سینما طی چند دهه با گرایش کامل به سمت تولید آثار برای بزرگسالان، کودکان و نوجوانان را از سینماها فراری داد در موسیقی هم فعالان این عرصه صرفاً نیاز بزرگسالان را در نظر گرفتند و به نیاز کودکان و نوجوانان در این زمینه بی‌توجهی شد. موسیقی و هنر تابع عرضه و تقاضاست و اگر متناسب با سنین مختلف عرضه از سوی مراکز رسمی و غیررسمی تولید صورت نگیرد، متقاضیان به طور خودکار ممکن است نیاز خود را از جاهای دیگر تأمین کنند.

شاید برخی به کار بردن واژه نیاز درباره موسیقی را خیلی علمی قلمداد نکنند اما نباید به این نکته بی‌توجه بود که ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که صدها و چه بسا هزاران شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای و نیز فضای مجازی در حال پمپاژ انواع مختلف محصولات هنری و فرهنگی هستند و در این وضعیت مخاطبان دست به انتخاب می‌زنند و سهل‌الوصول بودن وسایل ارتباط جمعی نیز باعث می‌شود کودکان و نوجوانان در مقابل یک منوی رنگارنگ قرار بگیرند و قاعدتاً بر اساس نوع سبک زندگی خانواده‌ها دست به انتخاب می‌زنند.

جولان موسیقی زیرزمینی

شاید بتوان گفت از دلایلی که سبب می‌شود اسنادی مانند سند ۲۰۳۰ در جامعه رواج پیدا کند همین انفعال مراکز رسمی موسیقی کشور است که همین منجر به جولان دادن موسیقی‌های مبتذل زیرزمینی می‌شود، هرچند ترانه موسیقی که اخیراً در برخی مدارس توسط دانش‌آموزان همخوانی شده اساساً هیچ تناسبی با رده سنی نوجوانان ندارد و به لحاظ مفهومی برای این رده سنی مضر است، بنابراین لازم است مراکز متولی هنر همچون وزارت ارشاد، حوزه هنری و سازمان صداوسیما خود را مکلف به تولید آثار موسیقایی متناسب با سنین مختلف بدانند و صرفاً مخاطب موسیقی را بزرگسالان قلمداد نکنند.

کافی است در هر محیطی از این دنیای هزار رنگ صفحات مجازی که هستید هشتگ «ساسی مانکن» را بنویسید، آن موقع است که تربیت استعدادهای ایرانی به سبک غربی خود را نشان می‌دهد؛ سبکی که پیش از این در سند ۲۰۳۰ با ادبیاتی کادو پیچ شده به ایران آمده و حالا از ۱۳ فروردین با انتشار آهنگ یک خواننده لس آنجلسی آنچنان پررنگ شده است که نظر و ارزیابی دوباره مسئولان آموزشی و تربیتی را می‌طلبد.

موسیقی نیاز به مدیریت دارد

اخیراً سیدمحمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش کشور در گفت‌وگو با خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان گفته است: «به کار گرفتن واژه جنگ از زبان مقام معظم رهبری کار را برای ما آموزش و پرورشی‌ها جدی‌تر می‌کند و در این فضای ناجوانمردانه دشمن از هر وسیله‌ای برای پیروزی و فتح سنگرهای خودش استفاده می‌کند. بیشترین سنگرها در عرصه تعلیم و تربیت است و امیدوارم با حضور و همراهی صاحبنظران حوزه آموزش و پرورش و خارج از آموزش و پرورش، دشمن پیروز نشود.»

وزیر آموزش و پرورش کشور ادامه داد: «در این کلیپ‌ها اغراض سیاسی کاملاً مشهود است، در ایامی که با افتخار اعلام می‌کنیم در مسابقات حفظ جزء سی ۲میلیون و ۸۰۰هزار دانش‌آموز و معلم شرکت کردند، این افراد از همین میز و نیمکت‌ها هستند، این در حالی است که سال گذشته این تعداد ۲۲۰دانش‌آموز بوده است.»

البته پیش از این سیدمحمد بطحایی در صفحه شخصی خود در توئیتر از نفوذ یا فریب دشمن گفته و در مصاحبه خود نیز مقصر اصلی را دشمنان کشور بیان کرده اما واقعیت این است که دشمنان همیشه در حال کار هستند و وظیفه دشمنی را نیز به طور کامل انجام می‌دهند و این مسئولان نظام اسلامی هستند که باید برای مقابله با دشمنی‌ها راهکار داشته باشند و صرفاً هم نباید به مقابله پرداخت چراکه اگر برای هنر و فرهنگ این کشور برنامه‌ریزی مناسب وجود داشته باشد، نیازی به مقابله نیست و فرهنگ و هنر وقتی با تدابیر مدیران دلسوز به طور خودجوش از دل جامعه خودنمایی کند، دیگر از دشمن هم نباید هراسی به دل راه داد. واقعیت این است که مسئولان امر فرهنگ موسیقی را جدی نگرفته‌اند و عرصه را دست‌کم در حوزه نوجوان و کودک تقریباً واگذار کرده‌اند.

صدای پای یک فیلم ضدایرانی دیگر شنیده می‌شود؟!

تشکیل مثلث همکاری بین کارگردان فراری خواننده انگلیسی و عوامل داخلی

هادی عسگری

برخی رسانه‌ها از همکاری مشترک بهمن قبادی فیلمساز فراری و راجر واترز آهنگساز و خواننده انگلیسی برای ساخت یک فیلم خبر داده‌اند؛ فیلمی که عوامل اصلی آن از داخل ایران انتخاب شده‌اند.

بهمن قبادی که چند سالی است ایران را ترک کرده و در فرانسه ساکن است قصد دارد فیلم جدیدش را به تهیه‌کنندگی راجر واترز بسازد. در اطلاعات منتشر شده از این فیلم که گویا با موضوع موسیقی است، نام امیر آقایی بازیگر، بهمن اردلان صدابردار و حسین جعفریان مدیر فیلمبرداری نیز دیده می‌شود. بهمن قبادی با انتشار یادداشتی با عنوان «چطور کردی، من و راگر واترز پینک فلوید را با هم متحد کرد» به نحوه آشنایی با خواننده سرشناس انگلیسی اشاره می‌کند و اینکه یک بار وقتی به «بی‌بی‌سی» گوش می‌داده متوجه می‌شود که راجر واترز از فیلم‌های وی تعریف کرده و از آنجا قبادی تلاش می‌کند که با واترز ارتباط برقرار کند.

بهمن قبادی با اشاره به سفری که همراه با این خواننده انگلیسی به کردستان عراق داشته، به همکاری سینمایی با این خواننده اشاره کرده است. به گفته قبادی فیلمی که قرار است به تهیه‌کنندگی راجر واتر ساخته شود درباره یک هنرمند کرد در استانبول خواهد بود.

بهمن قبادی آخرین بار و پیش از خروج از ایران فیلم زیرزمینی «کسی از گربه‌های ایرانی خبر ندارد» را ساخت. این فیلم که به موسیقی زیرزمینی در ایران می‌پرداخت به دلیل محتوای نامطلوب توقیف شد و قبادی پس از رفتن از کشور آن را در فضای مجازی منتشر کرد. از آثاری که این فیلمساز در خارج از ایران ساخته است، فیلم ضدایرانی «فصل کرگدن» است. این فیلم با حضور مونیکا بلوچی و بهروز وثوقی، روایتی از سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی دارد. در این فیلم بهمن قبادی تلاش کرده در یک عقده‌گشایی آشکار، نظام جمهوری اسلامی را مخالف هنر و هنرمندان معرفی کند. با وجود اینکه عوامل فنی این فیلم از داخل ایران انتخاب شده بودند در بازگشت به ایران بدون هیچ مواخذه‌ای برای مشارکت در یک فیلم ضدایرانی، به فعالیت عادی خود در سینما ادامه دادند. جالب است که تورج اصلانی مدیر فیلمبرداری فصل کرگدن سال پیش در جشنواره فجر به عنوان فیلم اولی حضور داشت. در مورد فیلم جدید بهمن قبادی، اما و اگرهای زیادی درباره اینکه آیا قبادی برخلاف رویه چند سال اخیر فیلم ضدایرانی نخواهد ساخت، وجود دارد. یک رسانه در نگاهی به خبر تولید فیلم جدید این کارگردان و حضور عوامل ایرانی در آن یادآور شده است: «هنوز جزئیاتی از محتوای کار جدید این کارگردان منتشر نشده اما به احتمال فراوان چهره‌هایی چون امیر آقایی و حسین جعفریان فیلمبردار و بهمن اردلان به فیلمنامه توجه کرده و دعوت او را پذیرفته‌اند. اینکه فیلمی ضدمنافع ملی نباشد، نکته مهمی خواهد بود که حتماً این عوامل ایرانی قبل از قبول دعوت به بازی در فیلم بهمن قبادی و کار در کنار راجر واترز نامی به آن توجه داشته‌اند.» با این وجود سابقه رفتارهای مدیران فرهنگی در مقابل حضور بازیگران و عوامل فنی سینمای ایران در پروژه‌های ضدایرانی نشان داده است که نبود قانون مشخص یا ارائه قاطع برای برخورد با افرادی که تن به حضور در آثار ضدایرانی داده‌اند، امکان تجدید این رفتارها را پدید آورده است. همان طور که عوامل «فصل کرگدن» در بازگشت از ترکیه که محل فیلمبرداری آن فیلم بود، بدون هیچ بازخواستی به فعالیت خود ادامه دادند یا بازیگرانی که در سریال‌های شبکه «جم» حضور پیدا کرده و با فاصله اندکی بعد از بازگشت به ایران باز هم فعالیت هنری خود را آغاز کرده‌اند.

امیر آقایی که نامش به عنوان بازیگر فیلم بهمن قبادی مطرح شده است، پیش از این نیز قرار بود در یک سریال ساخت کشور ترکیه ایفای نقش کند. این بازیگر قرار بود جلوی دوربین کارگردان سریال حریم سلطان ظاهر شود و به سختی از ایده «بازیگر لژیونر» حمایت می‌کرد که در نهایت با توصیه‌های مدیران سازمان سینمایی از اقدام خود صرف نظر کرد.

خانه سینما به عنوان مجمع صنفی و سازمان سینمایی در بالادست به عنوان یک نهاد دولتی متولی امور سینما باید راهکاری را برای جلوگیری از فعالیت‌های سینمایی ضدایرانی از سوی هنرمندان داخل کشور ارائه دهند.

خبر

دیوارنگاره میدان ولی‌عصر (عج) حال و هوای ماه رمضان گرفت

جدیدترین دیوارنگاره میدان ولی‌عصر (عج) با عنوان «دیگری را به خود مقدم دار» سحرگاه چهارم ماه رمضان رونمایی شد.

به گزارش مهر، «دیگری را به خود مقدم دار» عنوان جدیدترین دیوارنگاره میدان ولی‌عصر (عج) است که سحرگاه چهارم ماه مبارک رمضان نصب شد.

اخراج مجری «بی‌بی‌سی» به خاطر شوخی با خانواده سلطنتی

رسانه سلطنتی نتوانست طنزپردازی یک مجری رادیو را تحمل کند

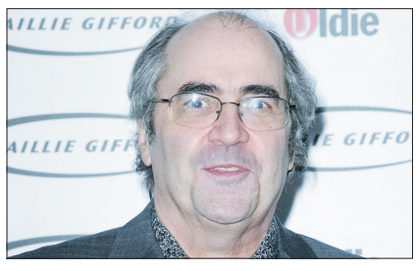

محمد صادقی

مجری قدیمی رادیو در شبکه بی‌بی‌سی به خاطر شوخی با خانواده سلطنتی از کار برکنار شد.

دنی بیکر با ۳۰سال سابقه کار در بی‌بی‌سی که از جمله مشهورترین مجریان و گویندگان رسانه سلطنتی بی‌بی‌سی بود، صرفاً به خاطر انتشار عکسی در صفحه مجازی‌اش اخراج شد.

به دنبال تولد فرزند نوه ملکه انگلیس، بیکر در صفحه اجتماعی‌اش عکسی را منتشر کرده بود. این عکس که نوعی شوخی با تولد عضو جدید خانواده سلطنتی انگلیس بود برای بی‌بی‌سی غیرقابل تحمل بود و به همین بهانه به سه دهه همکاری با بیکر پایان داد. بی‌بی‌سی که خود را مدافع آزادی بیان معرفی می‌کند، در توجیه اخراج مجری با سابقه‌اش، اقدام بیکر را نقض قوانین این شبکه اعلام کرده است. بی‌بی‌سی معتقد است اقدام دنی بیکر توهین به خاندان سلطنتی و اقدامی نژادپرستانه بوده است. بیکر در توئیتی «آرچی» نوه جدید خاندان سلطنتی انگلیس را با شامپانزه مقایسه کرده بود. آرچی فرزند هری و مگان است. اما بیکر با موذیانه خواندن رفتار بی‌بی‌سی، اتهام رفتار نژادپرستانه را رد کرده است.

رسانه‌های انگلیسی تلاش کرده‌اند اخراج مجری بی‌بی‌سی را به حملات نژادپرستانه به مادر وی که یک دو رگه رنگین‌پوست است مرتبط سازند. بیکر بعد از مدتی، توئیت منتشرشده‌اش درباره عضو جدید خانواده سلطنتی را حذف کرد اما بی‌بی‌سی حاضر نشده است تا در تصمیم به اخراج این گوینده تجدیدنظر کند! همکاران بیکر می‌گویند که وی مجبور شده است توئیت منتشرشده‌اش را پاک و به خاطر انتشار آن عذرخواهی کند.

بی‌بی‌سی بودجه دولتی دریافت می‌کند و به عنوان رسانه وابسته به خاندان سلطنتی در انگلیس بارها در ویژه‌برنامه‌هایی به تمجید و تعریف از خانواده سطلنتی این کشور پرداخته است. این رسانه که مدعی رفتار حرفه‌ای است، مراسم ازدواج نوه‌های ملکه الیزابت را به صورت زنده پخش کرده و هفته پیش نیز همزمان با تولد فرزند نوه ملکه این کشور، با قطع برنامه‌های عادی خود، اقدام به پخش مستقیم لحظه به لحظه رخدادهای مرتبط با این تولد کرد! اقدامی که انتقادهای زیادی را در پی داشته است. رفتار بی‌بی‌سی در اختصاص زمان ویژه به رخدادهای عادی زندگی خاندان سلطنتی این کشور، بارها اعتراض‌های مخاطبان این رسانه را در پی داشته است.

رفتار محافظه‌کارانه رسانه وابسته به حکومت انگلیس در برابر آزادی‌های فردی کارکنانش، نشانه‌ای از میزان صداقت این رسانه در ادعای آزادی بیان است.

سینما

نقد هالیوود ریپورتر بر «شبی که ماه کامل شد»

رؤیایی گلگون با یک پایان ترسناک خالص

هالیوود ریپورتر نقدی بر فیلم «شبی که ماه کامل شد» منتشر کرد و به تمجید از این فیلم پرداخت.

در بخشی از نقد هالیوود ریپورتر نقدی بر فیلم «شبی که ماه کامل شد» که در مجله نقد سینما منتشر شده، آمده است: «نرگس آبیار» با در هم تنیدن درام سیاسی، وقایع تاریخی، داستانی عشقی و فیلمی ترسناک در یک قصه پرتعلیق و اضطراب‌آور در فیلم «شبی که ماه کامل شد» خودش را به عنوان یکی از جذاب‌ترین استعدادهای جدید کارگردانی در ایران تثبیت می‌کند. پس از دو فیلمی که به زوایای انسانی جنگ ایران و عراق پرداخته بودند «شیار ۱۴۳» و «نفس»، او مستقیم سراغ القاعده رفته؛ در فیلمی اُپراگونه و اغراق‌آمیز که همین برای وحشت کردن از آن کافی است وقتی بدانیم بر اساس داستانی واقعی ساخته شده. رؤیایی گلگون و رمانتیک که به خطا می‌رود؛ خطایی بزرگ و نیم ساعت پایانی آن یک فیلم ترسناک خالص است.

این فیلم در جشنواره فیلم فجر در ماه فوریه (بهمن) جوایز بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و سه جایزه بازیگری را جارو کرد و هر کجای دیگری که اکران شود نیز احتمالاً جوایزی را از آن خود خواهد کرد.

«شبی که ماه کامل شد» فیلم بی‌نقصی نیست (زاویه دید شخصیت‌ها مثل شِن صحرا جابه‌جا می‌شود که ایجاد و ساخت تعلیق را تقلیل می‌دهد و حتی زمان بیش از دو ساعته فیلم برای پرداختن کامل به صحنه‌های القاعده بسیار کم است) اما کمبودی که در عمق فیلم وجود دارد به‌وسیله صراحت پرحرارت در فیلمسازی جبران شده است.

انتقادات صریح پرویز پرستویی از شرایط این روزهای سینمای ایران

ما هنرمندان الان به گرد پای مردم هم نمی‌رسیم

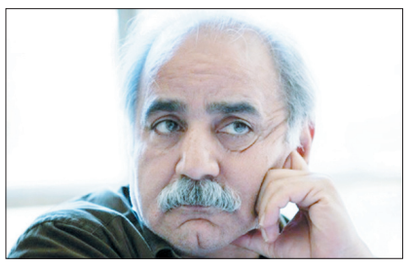

پرویز پرستویی در انتقاد از شرایط این روزهای سینمای ایران نوشت: به سال‌هایی می‌گفتند هنرمندان همیشه یه گام جلوتر از مردمند. الان ما به گرد پای مردم هم نمی‌رسیم. به امید روزی که همگی، همدل و یکصدا ببرق فرهنگ و هنر را به اهتزاز در آوریم و غمخوار هم باشیم و در کنار مردم.

این بازیگر پیشکسوت در صفحه شخصی خود در اینستاگرام می‌نویسد: وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی. جشنواره‌های ایرانی و بین‌المللی ایران. صاحبین مراسم‌های رنگ و وارنگ. فرش قرمز پهن کن‌ها. صاحبین برندهای رنگ و وارنگ. تو رو به هر کسی که اعتقاد دارید، یه تجدیدنظری تو خودتون بکنید. یه نگاه به عکس‌های جورواجوری که تو مراسم‌ها گرفته میشه که محل معرفی برندها شده بکنید. یه نگاه به میهمانانتون بکنید. یه دختر جوان که یه سریال مناسبتی بازی کرده، چپ و راست، رو این فرش قرمزهاتونه و عکس می‌گیره، بعضی از رسانه‌های زرد هم که ماشاءالله، برای عکس‌ها اسم می‌گذارند، فلانی با لباس راحتی با لباس مشکی با لباس بلند با لباس کوتاه با نگاه غمگین با لباس شاد و رنگی فلانی خیره به افق، اینا کی‌اند؟ به کجا داریم میریم؟ کارگردان‌های ارزشیمون که با هم کورس گذاشتند. جنگ، جنگه رقابت، در فروشه فیلم‌هاست و پیشی گرفتن از هم. عزیزان، بزرگان، منو ببخشید. پلدختر زیر آب، گلستان زیر آب، خوزستان زیر آب، مردم زمین‌هاشونم گم کردن چه برسه به خونه‌هاشون. مردمی که خانه و کاشانه داشتند و سفره‌های رنگین، الان جیره ظرف یه بار مصرف غذا و پوشاک و... میاد تو چادرهاشون. ماها چی میگیم؟ به کجا چنین شتابان؟

پرستویی در ادامه می‌نویسد: خانه سینما حدود ۵هزار عضو داره که اگه همه چی بر وفق مراد باشه شاید ۲هزار نفر سر کار باشند و بقیه غم نان دارند و شرمنده زن و بچه‌ها، اونوقت ما جشنواره بین‌المللی راه می‌اندازیم با بودجه... و بعد تو مصاحبه‌ها هم میگیم این یه جشنواره دورهمی و خانوادگیه! میهمان خارجی دعوت می‌کنیم که اسم فیلمسازان بین‌المللی‌مون رو در مصاحبه یادش نمیاد! بهتر نیست این بودجه‌ها رو به جای جشنواره‌های مختلف برگزار کردن، صرف هنرمندان آبروداری که یه عمر تو این حرفه کار کردن بکنیم.

راستی آقای بیضایی کجاست؟ راستی حال آقای تقوایی چطوره؟ آقای کشاورز خوبند؟ از فرامرز صدیقی چه خبر؟ از کارگر فنی که یک عمر تو سینما کار کرده و به نون شبش محتاجه چه خبر؟ موقع تشییع جنازه هم که همه‌مون گرفتاریم! و هزاران حرف ناگفته! حالا هر چی دلتون می‌خواد به بنده فحش بدید و ناسزا بگید!